

نکته‌هایی از معارف حسینی

دکتر محمد حسین مردانی نوکنده

۱. سخنان اندیشمندان غیرمسلمان درباره امام حسین علیه السلام

موریس دوکبری (اندیشمند فرانسوی):

بیایید ما هم از زیردستی یزیدیان به نوعی خلاصی یابیم و مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح دهیم؛ زیرا مرگ با عزت و شرافت بهتر از زندگی با ذلت است.

مهاتما گاندی (رهبر استقلال هند):

اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز شود، باید از زندگی امام حسین پیروی کند.

محمدعلی جناح (قائد اعظم پاکستان):

به عقیده من تمام مسلمین باید از سرمشق (امام حسین) این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد، پیروی کنند.

توماس کارلایل (فیلسوف و مورخ انگلیسی):

بهترین درسی که از واقعه کربلا می‌گیریم، این است که حسین و یارانش، ایمان استوار به خدا داشتند.

پروفسور ادوارد براون (شرق‌شناس انگلیسی):

آیا قلبی پیدا می‌شود که وقتی درباره کربلا سخن می‌شنود، آغشته به حزن و اندوه

نشود؟

پروفسور ماریبن (فیلسوف و خاورشناس آلمانی):

من معتقدم که رمزبقا و پیشرفت اسلام و تکامل مسلمانان به خاطر شهید شدن حسین علیه السلام و آن رویدادهای غم‌انگیز است.

بولس سلامه (نویسنده و شاعر مسیحی لبنانی):

شب‌هایی که بیدار بودم یک بار برای مدتی طولانی به سبب علاقه‌ای که به آن دو بزرگوار - امام علی و امام حسین علیه السلام - داشتم، گریستم سپس شعر علی و حسین را سرودم.

عباس محمود عقاد (نویسنده و ادیب مصری):

جنبش حسین، یکی از بی‌نظیرترین جنبش‌های تاریخی است که تاکنون در زمینه دعوت‌های دینی یا نهضت‌های سیاسی پدیدار گشته است.

گابریل آنگری (نویسنده فرانسوی):

آرامگاه حسین در کربلا بعد از کعبه، بدون تردید دومین زیارتگاه مسلمانان است. جنایت کربلا وحشت‌انگیز و غیرانسانی بود.

عبدالرحمن شرقاوی (نویسنده مصری):

حسین علیه السلام، شهید راه دین و آزادگی است. نه تنها شیعه باید به نام حسین ببالد، بلکه تمام آزاد مردان دنیا باید به این نام شریف افتخار کنند.

ابن ابی الحدید (دانشمند و شاعر عراقی):

مانند حسین چه کسی را سراغ دارید؟ به راستی این مرد مافوق بشر کیست که لحظه‌ای پستی را نمی‌پذیرد و با اختیار خود در برابر ستمگران سر تعظیم فرود نمی‌آورد؟

۲. سیره خواندنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از زبان مبارک امام حسین علیه السلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هیچ نشست و برخاستی نمی‌کرد مگر با ذکر خدا و در هیچ مجلسی جای مخصوصی برای خود انتخاب نمی‌کرد و از صدرنشینی نهی می‌فرمود. و در مجالس هر جا که خالی بود می‌نشست و اصحاب را هم دستور می‌داد که چنان کنند.

رسول خدا ﷺ زبان خود را از غیر سخنان مورد لزوم باز می داشت و با مردم انس می گرفت و آنان را از خود رنجیده خاطر نمی کرد. بزرگ هر قومی را احترام می کرد و تولیت امور قوم را به او واگذار می نمود

هر کس حاجتی از او طلب می کرد بر نمی گشت مگر این که یا حاجت خود را گرفته بود یا با بیانی قانع، دلخوش شده بود. خلق نازینش این قدر نرم بود که به مردم اجازه می داد او را برای خود پدری مهربان بپندارند و همه نزد او در حق مساوی بودند. مجلسش، مجلس حلم و حیا و راستی بود.

نفس خود را از سه چیز پرهیز می داد: ۱. مرأ و مجادله ۲. پرحرفی ۳. گفتن سخنان بیهوده.

نسبت به مردم نیز از سه چیز پرهیز می کرد: ۱. هرگز احدی را مذمت و سرزنش نمی کرد. ۲. هرگز لغزش و عیب هایشان را جستجو نمی نمود. ۳. هیچ وقت حرف نمی زد مگر در جایی که امید ثواب در آن می داشت.

سکوت رسول خدا ﷺ چهار جور بود: ۱. حلم ۲. حذر ۳. تقدیر ۴. تفکر

